



تقریباً ده سال پیش سؤالی برایم پیش آمد. می‌خواستم بدانم «آیا برای برنامه‌نویس کامپیوتر بودن ساخته شده‌ام یا نه؟» این از آن دست سؤالی‌های شغلی فلسفی است که همه آدم‌ها یک روزی از خود می‌پرسند. به همین دلیل، به بحث روان‌شناسی تیپ‌های شخصیتی علاقه‌مند شدم و چند کتاب در این مورد خواندم. در خلال مطالعه، مقالات متعددی دیدم که یکی از خصوصیات برنامه‌نویسان کامپیوتر (و به طور کلی متخصصان آی‌تی) را حس ششم آنان می‌دانستند. در ابتدا نسبت به این تعبیر بی‌تفاوت بودم و از کنار آن به‌عنوان یک تعارف و روشی برای ایجاد انگیزه مثبت در افراد مستعد می‌گذشتم. اما به تدریج معنای تازه‌ای از اصطلاح «حس ششم» در ذهنم شکل گرفت. این یکی از آن اصطلاحات نادقیق و گنگی است که معانی متفاوتی به آن نسبت داده شده است. قدیمی‌ترین تعاریف پیرامون درکی ماورا الطبیعه از جهان هستی می‌چرخد.

این همان درکی است که در فیلم‌های سینمایی مانند *The Sixth Sense* به طور ضمنی مطرح می‌شود. این نوع تعاریف جایگاهی در سطوح علمی ندارند. اما طی چند دهه اخیر، مطالعات گسترده‌ای در علم روان‌شناسی پیرامون یک مفهوم دیگر انجام شده که می‌توان به کمک آن این اصطلاح «حس ششم» را بازتعریف کرد. اجازه بدهید اول معنای مورد نظرم از «حس ششم» را توضیح دهم. به موضوع شغل کارشناسان کامپیوتر بازخواهم گشت تا ببینیم این موضوع چه اهمیتی برای ما دارد.

حس ششم چیست؟

ژیک راه برای تعریف اصطلاح حس ششم این است که آن را معادل اصطلاح دقیق‌تر *Intuition* بدانیم. البته در تعریف همین اصلاح نیز بین کارشناسان علم روان‌شناسی اختلاف نظر است. یک گروه پیرو مکتب فکری هستند که دانیل کانمان، پروفیسور روان‌شناسی و برنده جایزه نوبل اقتصاد در سال 2002 پیش‌تاز آن است. این گروه از متفکران ترجیح می‌دهند تعبیر «قضاوت عجولانه» یا «فکر کردن سریع» را برای *Intuition* به کار ببرند. اما گروهی دیگر مانند مالکوم گلدول نویسنده مشهور کتاب‌های تحلیلی تحقیقی در زمینه موفقیت، آن را «شم» معنا می‌کنند. مثلاً می‌گوییم: «فلانی شم اقتصادی قوی دارد.» البته شم انسان نیز گاهی اشتباه می‌کند و دست به قضاوت عجولانه می‌زند. اما یک گروه سوم وجود دارد که *Intuition* را «بصیرت» و «بینش» معنا می‌کند. این مکتب فکری بیشتر پیرو نظریه تیپ‌های شخصیتی موسوم به *MBTI* است. مطابق این تعریف، بصیرت نوعی دریافت ذهنی است که از مسیری غیر از مسیر حس‌های پنج‌گانه انسان حاصل شده باشد. البته این دریافت ذهنی هر چیزی است الا درک ماورا الطبیعه.

Data Science از نوع طبیعی

این روزها که بحث علم داده‌ها و بزرگ داده‌ها و موضوعاتی از قبیل آنالیتیکس و داده‌کاوی در رشته کامپیوتر داغ

است، می‌توان فهمید بصیرت چیزی جز تجزیه و تحلیل داده‌ها در مغز انسان نیست. همان گونه که در علم داده‌ها از طریق تجزیه و تحلیل داده‌های خام به کمک کامپیوتر، به اطلاعات جدیدی می‌رسیم که ما را به کشف حقایق تازه سوق می‌دهند، مغز انسان نیز به چنین مکانیسمی مجهز است و می‌تواند با تکیه بر تحلیل اطلاعات به بصیرت تازه‌ای برسد. این بینش همان دریافت ذهنی است که از مسیری غیر از حس‌های پنج‌گانه آمده است. به این تعبیر می‌توان آن را حس ششم نامید. اطلاعاتی که به این ترتیب تولید شده‌اند زاینده قوه تخیل و تجسم هستند. امواج گرانشی و انحنای فضا زمان صد سال پس از اینکه انیشتین آن را در قوه تخیلش مجسم کرد، اثبات شد.

نوابغ حس ششم قوی دارند

همه انسان‌ها دارای حس ششم، بصیرت و قوه تخیل هستند. اما میزان آن متفاوت است. گاهی مقدارش در یک نفر بسیار ناچیز است. این افراد ناخودآگاه از تخیل فاصله می‌گیرند و تنها می‌توانند به حس‌های پنج‌گانه خود اعتماد کنند. اما عده خیلی کمی در جامعه دارای قوه تخیل بسیار قوی هستند. قوه تخیل گاهی روی داده‌های ریاضی و منطقی عمل می‌کند. این افراد به دانشمندان و مهندسان باهوشی تبدیل می‌شوند که می‌توانند در ذهن خود تجزیه و تحلیل‌های منطقی چندبعدی تولید کنند. اوج این حالت را در زندگی نوابغی مانند انیشتین نابغه فیزیک، جان نش مبتکر نظریه بازی‌ها یا آلن تورینگ پدر علم کامپیوتر می‌توان دید. اما قوه تخیل در عالم هنر هم حضور دارد. بخش بزرگی از شاهنامه فردوسی حاصل قوه تخیل او است. در ادبیات مدرن کودک و نوجوان، داستان تو در تو و پیچیده «هری پاتر» تماماً زاینده قوه تخیل یک نویسنده است. در سایر رشته‌های هنری نیز امثال لئوناردو داوینچی نقاش و ژول ورن نویسنده پیدا می‌شوند که قوه تخیلشان جهان هنر را به جهان علم پیوند می‌زند و میان این دو در تکاپو هستند.

کارشناس کامپیوتر به حس ششم نیاز دارد

به این ترتیب می‌توان فهمید چرا بعضی معتقدند یک کارشناس کامپیوتر موفق نیست مگر اینکه حس ششم خوبی داشته باشد. به عبارت دیگر، شما نمی‌توانید در این رشته موفق باشید اگر دارای قوه تجزیه و تحلیل قوی نباشید. نکته مهم این است که موفقیت شغلی یک مهندس فقط وابسته به مهارت‌های فنی او نیست. حس ششم او باید در سایر زمینه‌ها از جمله کشف نیاز یا تمایل به حل مشکل مردم نیز نمود داشته باشد. از همین رو، در این شماره از ماهنامه شبکه مقاله‌ای با عنوان «نیازی را پاسخ دهید» داریم که می‌کوشد مثلث کشف نیاز، مهارت فنی و پیشرفت شغلی را توضیح دهد. در همین رابطه مقاله دیگری هم تقدیم می‌کنیم که همین بحث را در سطحی بالاتر مطرح می‌کند. در آنجا اهمیت مهندسی نیازمندی‌های مشتری را به‌عنوان اولین رکن مهندسی نرم‌افزار به بحث گذاشته‌ایم.

تاریخ انتشار:

15 اردیبهشت 1397

نشانی منبع:

<https://www.shabakeh-mag.com/computer-science/12579/%D8%A2%DB%8C%D8%A7-%D8%A8%D9%87-%D8%AD%D8%B3-%D8%B4%D8%B4%D9%85-%D9%86%DB%8C%D8%A7%D8%B2-%D8%AF%D8%A7%D8%B1%DB%8C%D9%85%D8%9F>